رجبی، سمیه؛ کیانی، محمدرضا؛ نوکاریزی، محسن (۱۳۹۵). ابعاد فقر اطلاعاتی از منظر جهانی شدن در بستر رفتار اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند. *پژوهش‌نامه کتابداری واطلاع‌رسانی*، ۶ (۱)، ۱۶۶- ۱۴۵.

ابعاد فقر اطلاعاتی از منظر جهانی شدن در بستر رفتار اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند

سمیه رجبی[۱]، دکتر محمدرضا کیانی[۲]، دکتر محسن نوکاریزی[۳]

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۹ تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۶

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر سنجیدن میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند در چهار شاخص آن (اضافه بار اطلاعاتی، خلأ اطلاعاتی، نابرابری اطلاعاتی و شکاف دیجیتال) و همچنین نقش جهانی شدن در فقر اطلاعاتی از نظر آنان می‌باشد.

روش: این پژوهش پیمایشی-کاربردی است که جامعه آماری آن را دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند مشغول به تحصیل در نیمسال دوم سال ۹۳-۱۳۹۲ تشکیل می‌دادند. نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای غیر نسبتی انجام گرفت که بر این اساس تعداد نمونه ۱۲۰ نفر انتخاب شد. برای اجرای این پژوهش از دو پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد.

یافته‌ها: میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان به‌طورکلی بالاتر از حد متوسط بود؛ اما میزان فقر اطلاعاتی در شاخص‌های مختلف فقر اطلاعاتی متفاوت بود. بیش‌ترین میزان فقر اطلاعاتی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی مربوط به شاخص نابرابری اطلاعاتی بود و بعد از آن شکاف دیجیتال و خلأ اطلاعاتی قرار داشتند و میزان اضافه بار اطلاعاتی کمتر از حد متوسط بود. در بحث مربوط به نقش جهانی شدن در تغییر میزان فقر اطلاعاتی از نظر دانشجویان مشخص شد جهانی شدن نقشی در کاهش و یا افزایش دو شاخص اضافه بار اطلاعاتی و نابرابری اطلاعاتی نداشت؛ اما باعث کاهش دو شاخص خلأ اطلاعاتی و شکاف دیجیتال می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فقر اطلاعاتی، جهانی شدن، اضافه بار اطلاعاتی، خلأ اطلاعاتی، نابرابری اطلاعاتی، شکاف دیجیتال، دانشگاه بیرجند، دانشجویان.

۱. کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، بیرجند، دانشگاه بیرجند، rajabisomaye61@yahoo.com

۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، بیرجند، دانشگاه بیرجند، kiani.mreza@birjand.ac.ir

۳. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، mnowkarizi@um.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

از مشخصه‌های جوامع پیشرفته، میزان تولید و دسترسی آنها به اطلاعات جدید است. اطلاق عصر اطلاعات به دنیای کنونی بیانگر اهمیت اطلاعات است (رحیمی و بیگدلی، ۱۳۸۹). به گفته هابیرماس[۱] (۱۹۸۹)، دسترسی به اطلاعات پیش‌شرط اساسی و لازم برای پیشرفت شخصی و همچنین مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. کسی که بتواند اطلاعات بیشتری به‌دست آورد، در رقابت‌های اجتماعی، موقعیت غالب و مسلط دارد (Chen, Liu & Yang, 2011)؛ بنابراین، در عصر اطلاعات هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون اطلاعات بقا داشته باشد و نیاز اولیه هر جامعه، دسترسی به اطلاعات برای رسیدن به پیشرفت در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره می‌باشد. آنگل[۲] (۱۹۹۵) هشدار می‌دهد کسانی که شاهراه‌های اطلاعاتی را از دست داده‌اند، محکوم به شکست هستند.

از طرفی، فقر وضعیتی است که در آن، شخص وسایل کافی برای زندگی و ارضای نیازهای ابتدایی زندگی نداشته باشد، یعنی چیزهایی نظیر آب پاکیزه، تغذیه، خدمات بهداشتی، آموزش و .... تخمین زده می‌شود که امروزه حدود ۱/۷ میلیارد نفر در جهان در فقر مطلق زندگی می‌کنند (FAO, 2012). از طرف دیگر بدون دسترسی به اطلاعات حیاتی، مردم فقیر (و شاید تمام مردم) نمی‌توانند نیازهای اولیه خود را رفع کنند (Britz, 2006).

عصر اطلاعات که از ویژگی‌های آن جهانی شدن و نظام سرمایه‌داری و استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی است، شکل جدیدی از فقر را در معرض دیدگان میلیون‌ها انسان در سراسر جهان قرار داده است. فقر اطلاعاتی[۳] به‌عنوان شکلی از فقر نه‌تنها بر استقلال جوامع تأثیر می‌گذارد، بلکه بیانگر آن است که جوامع فقیر اطلاعاتی، از نظر اطلاعات وابستگی فراوانی به جوامع غنی دارند. رشد بی‌وقفه فناوری سبب رشد چشمگیر در صنایع دانش-محور کشورهای توسعه‌یافته شده است و فاصله بین کشورهای ثروتمند و فقیر را افزایش داده است (رحیمی و بیگدلی، ۱۳۸۹).

در جوامع امروزی، فقر اطلاعاتی عاملی طبیعی در زندگی روزمره بوده و با فزونی اطلاعات از یک‌سو و سانسور و کنترل آن از سوی دیگر همراه است. همچنین فقر اطلاعاتی بر کیفیت زندگی بسیاری از مردم جهان تأثیرات منفی دارد و دارای پیامدهای قابل‌توجه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است. موضوع فقر اطلاعاتی اخیراً به‌عنوان عاملی قابل‌بحث در جامعه اطلاعاتی و اغلب همراه با

1. Habermas
2. Angell
3. Information Poverty

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و در اشاره به شکاف دیجیتال مطرح شده است. فقر اطلاعاتی گروه‌های متنوعی را در برمی‌گیرد. در میان این گروه‌ها افراد روستایی، طبقه کارگران، افراد مسن، زنان، بیکاران و بی‌خانمان‌ها قرار دارند (Haider & Bawden, 2007).

در رابطه با فقر اطلاعاتی در جامعه مورد مطالعه، یعنی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند پژوهشی انجام نشده است و جای خالی پژوهشی بر مبنای بنیان‌های نظری در این جامعه احساس می‌شود، بنابراین، مسأله اصلی پیش روی پژوهش حاضر در درجه نخست این است که فقر اطلاعاتی در جامعه مورد مطالعه به چه میزان است و آیا می‌توان این جامعه را فقیر اطلاعاتی محسوب کرد؟ و همچنین نقش پدیده جهانی شدن در فقر اطلاعاتی از نظر کاربران تا چه حد است؟ در این پژوهش، تأثیر جهانی شدن بر شاخص‌های مختلف فقر اطلاعاتی بررسی می‌شود. در اینجا باید متذکر شد که دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند در حوزه‌های مختلف (دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی، علوم کشاورزی، فنی و مهندسی و علوم پایه) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فقر اطلاعاتی

فقر اطلاعاتی وضعیتی است که در آن افراد و جوامع، در یک زمینه و بافت تعیین شده، مهارت‌ها، توانایی و یا مواد لازم، برای دسترسی کارآمد به اطلاعات، تفسیر و کاربرد مناسب آن را ندارند که بیشتر با فقدان اطلاعات ضروری و ضعف در توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی مشخص می‌شود. در بسیاری از موارد، منابع موردنیاز برای برآوردن نیازهای انسانی از آن رو غیرقابل دسترس هستند که اطلاعات در مورد این منابع وجود ندارد و در نتیجه، منابع برای استفاده در دسترس انسان نمی‌باشد. نظریه‌پردازان زیادی در زمینه فقر اطلاعاتی مطرح‌اند که از جمله می‌توان چتمن[۱] (۱۹۹۶)، تپسکات[۲] (۱۹۹۵) ،کرونین[۳] (۱۹۹۲) و باکلی[۴] (۱۹۸۷) را نام برد.

جوامع فقیر اطلاعاتی ویژگی‌هایی دارند که از نظر بریتز[۵] (۲۰۰۴) عبارت‌اند از: عدم دسترسی به اطلاعات لازم، از جمله اطلاعات درباره منابع موردنیاز برای برآوردن نیازهای ضروری و گره‌گشا، فقدان

1. Chatman
2 .Tapscott
3. Cronin
4. Buckley
5. Britz

زیرساخت‌های اطلاعاتی توسعه‌یافته، فقدان سرمایه مالی لازم برای پرداخت هزینه‌های اطلاعاتی، ناتوانای فنی برای دسترسی به اطلاعات و کمبود ظرفیت فکری برای ارزیابی و بهره‌مندی از اطلاعات.

در رابطه با فقر اطلاعاتی، سه رویکرد اساسی وجود دارد. رویکرد ارتباطی به فقر اطلاعات که به‌طور عمده بر عدم دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی متمرکز است. رویکرد محتوایی به فقر اطلاعات که با توجه به این دیدگاه، در دسترس نبودن یا کمبود اطلاعات قابل‌استفاده و اطلاعات باکیفیت بالا و همچنین کمبود اطلاعات موردنیاز برای توسعه، ریشه و زمینه‌های پیدایش فقر اطلاعاتی است. رویکرد انسانی به فقر اطلاعات هم بیانگر نگرش انسانی به اطلاعات است (Britz, 2006). فاهی[1] (۲۰۰۳) و ناد[2] (۲۰۰۱) آن را مربوط به ناتوانی مردم، در استفاده از اطلاعات می‌دانند.

فقر اطلاعاتی مفهومی چندبعدی است و دلایلی که منجر به فقر اطلاعاتی می‌شود، انواع مختلفی دارد. قطعاً یکی از علل اساسی فقر اطلاعاتی، عدم دسترسی به اطلاعات ضروری و موردنیاز است و در صورت موجود بودن اطلاعات، ناتوانی در تعیین معنی مناسب برای آن باعث فقر اطلاعاتی می‌شود. از نظر باکلی (۱۹۸۷) عدم دسترسی به فناوری اطلاعات و نبود رایانه‌های خاص، یکی از عوامل مؤثر بر فقر اطلاعاتی است. یکی از بزرگ‌ترین دلایل اجتماعی و اقتصادی که به شرایط فقر اطلاعاتی کمک می‌کند، جهانی شدن و ادغام زندگی اجتماعی و اقتصادی جهان است. دلیل دیگر این است که تقریباً همه کشورهای در حال توسعه فاقد زیرساخت اطلاعاتی مناسب هستند.

در این پژوهش، فقر اطلاعاتی براساس چهار شاخص مورد بررسی قرار گرفت. البته باید گفته شود که این شاخص‌ها به‌صورت پراکنده و غیرمنسجم در پژوهش‌های مختلف مطرح شده است، اما گلدینگ[3] (۲۰۰۱) ، بریتز (۲۰۰۶) و رحیمی و بیگدلی (۱۳۸۹) بر آنها تأکید بیشتری داشته‌اند. در این پژوهش سعی شده است این شاخص‌ها به‌عنوان شاخص‌های فقر اطلاعاتی یکجا مورد بررسی قرار گیرند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: اضافه بار اطلاعاتی (ارائه اطلاعات تکراری، بی‌کیفیت و بلااستفاده)، خلأ اطلاعاتی (عدم وجود اطلاعات چاپی و الکترونیکی برای رفع نیازهای ضروری و غیرضروری)، نابرابری اطلاعاتی (نابرابری در دسترسی و استفاده از اطلاعات در مقایسه با میانگین وضعیت جامعه جهانی با توجه به استانداردهای پذیرفته شده از نظر کاربران) و شکاف دیجیتال (نابرابری در دسترسی و استفاده از فناوری

1. Fahey
2. Nath
3. Goulding

اطلاعات و ارتباطات در مقایسه با میانگین وضعیت جامعه جهانی با توجه به استانداردهای پذیرفته‌شده از نظر کاربران).

پژوهش‌های متعددی درباره فقر اطلاعاتی انجام شده است، اما پژوهشی که فقر اطلاعاتی را در جامعه خاصی (مانند آنچه در این پژوهش انجام شده بود) سنجیده باشد یافت نشد. در رابطه با فقر اطلاعاتی با در نظر گرفتن چهار شاخص مطرح شده در این پژوهش نیز پژوهشی انجام نشده است.

چتمن (۱۹۹۶) مطالعه‌ای درباره جهان اطلاعات مردم فقیر و زنان سالخورده انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد دسترسی و استفاده آنها از اطلاعات تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی و فرهنگی خودشان قرار گرفته است و او با توجه به این امر موقعیتش را درباره فقر اطلاعاتی مشخص کرده است. وی چهار مفهوم حیاتی را به‌عنوان پایه‌های فقر اطلاعاتی بیان کرده است: خطرپذیری، پنهان‌کاری، اغفال و ربط موقعیتی که بیشتر هم در ارتباط با سرایداران، زنان بی‌سرپرست و جمعیت سالخورده است. چتمن نظریه‌ای برای کشف روش‌هایی که از طریق آن بتوان این پدیده پیچیده اجتماعی و فرهنگی را توضیح داد، مطرح می‌کند.

بریتز و بلیگنات[1] (۲۰۰۱) نیز پژوهشی درباره فقر اطلاعاتی و عدالت اجتماعی انجام داده‌اند. در پژوهش عمدتاً مسائل نظری مربوط به فقر اطلاعاتی، چارچوب اخلاقی برای پیدا کردن راه‌حل برای فقر اطلاعاتی، نمای کلی برای توصیف فقر اطلاعاتی و دلایل اصلی برای فقر اطلاعاتی مطرح شد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد مفهوم فقر اطلاعات ممکن است عملگرا، نسبی و مبهم به نظر برسد؛ اما این واقعیتی است که بیش از نیمی از جمعیت جهان را تهدید می‌کند و برای رفع این مشکل باید راه‌حل فوری یافت.

در پژوهش دیگری چن، لین و یانگ[2] (۲۰۱۱) فقر اطلاعاتی را در مناطق کوهستانی و روستایی چین مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان به این نتیجه رسیدند که علت فقر اطلاعاتی در این مناطق، ضعف در کانال‌های انتقال اطلاعات، هزینه بالای دسترسی به اطلاعات برای کشاورزان، اطلاعات قدیمی و نادرستی که کشاورزان دریافت می‌کنند، درآمد بسیار ناچیز کشاورزان، برای پرداخت هزینه‌های اطلاعات و امکانات پایه ضعیف برای کسب اطلاعات در نواحی کوهستانی بوده است. راه‌حل اصلی برای از بین بردن فقر اطلاعات و حفاظت از حقوق اطلاعاتی کشاورزان، توسعه اقتصادی آنان است.

1. Blignaut
2. Chen, Liu & Yang

در ایران در رابطه با فقر اطلاعاتی پژوهش‌های معدودی انجام شده است. رحیمی و بیگدلی (۱۳۹۸) به مسأله فقر اطلاعاتی، وجوه، ابعاد، مفاهیم و راهکارهای مقابله با آن در جوامع بشری پرداختند. نتایج نشان داد که در مقایسه با وجوه مختلف فقر، فقر اطلاعاتی پیچیده‌تر است و ابعاد وسیع‌تری را در برمی‌گیرد و خود سبب تشدید سایر وجوه فقر، از جمله فقر اقتصادی می‌شود. به نظر اینان فقر اقتصادی و فقر اطلاعاتی به هم مرتبط هستند. همچنین می‌توان گفت تا زمانی که نابرابری اطلاعاتی وجود داشته باشد، فقر اطلاعاتی نیز وجود دارد.

جهانی شدن

یکی از پدیده‌هایی که جامعه بشری در حال حاضر با آن مواجه است، پدیده جهانی شدن است. ابعاد و دامنه‌های این پدیده آن‌قدر وسیع و گسترده است که تمام شئون بشری را در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تحت تأثیر خود قرار داده است و برخی از صاحب‌نظران از آن به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۱). جهانی شدن با تعابیری چون فشردگی، یکپارچگی و همگون سازی جهان همراه است. کامل‌ترین مرحله جهانی شدن را می‌توان بازسازی کامل روابط و کنش‌های اجتماعی در گستره جهانی و پیوند فرد و جامعه در چنین گستره‌ای دانست. در چنین شرایطی، هیچ حوزه محلی و حتی خصوصی و شخصی نمی‌تواند استقلال و فردیت خود را حفظ کند و حتی دورافتاده‌ترین مکان‌ها نیز تحت تأثیر تحولات محیط جهانی خود قرار می‌گیرند (گل‌محمدی، ۱۳۸۲).

در رابطه با ارائه تعریفی جامع و مانع از پدیده جهانی شدن، میان صاحب‌نظران و اندیشمندان اجماع نظر حاصل نشده است. در برخی از تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی شدن غلبه دارد و در برخی دیگر، ابعاد سیاسی، فرهنگی و یا ارتباطی آن بیشتر مدنظر قرار می‌گیرد. از این‌رو، در خصوص جهانی شدن ارائه تعریف کامل و در عین‌حال مورد قبول همگان دشوار است.

در فرایند جهانی شدن، فاصله، مفهومی دیگر می‌یابد و از حالت مکانی و زمانی خارج شده و ماهیت عملکردی به خود می‌گیرد. به میزانی که سطح توانمندی‌های اطلاعاتی (کسب اطلاعات، فراوری اطلاعات، استفاده بهینه از اطلاعات) افراد افزایش می‌یابد، از حاشیه خارج شده و به متن جهانی بودن داخل می‌شوند؛ اعم از اینکه در چه مکان و چه موقعیت جغرافیایی و یا چه فضای ملی باشد و به همین نسبت نیز کثرت‌گرا می‌شوند (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۰).

نقش جهانی شدن در فقر اطلاعاتی

همان‌طور که قبلاً بیان شد یکی از مباحث مورد بررسی این پژوهش نقش جهانی شدن در میزان فقر اطلاعاتی از نظر دانشجویان است، بنابراین در این بخش سعی می‌شود ارتباط جهانی شدن با هریک از شاخص‌های فقر اطلاعاتی بررسی شود.

نقش جهانی شدن در اضافه بار اطلاعاتی: فناوری نقش مهمی در ایجاد اضافه بار اطلاعاتی دارد. فناوری نه‌تنها در ایجاد مضمون اطلاعات به ما کمک می‌کند، بلکه این امکان را می‌دهد که به مقدار زیادی به اطلاعات دسترسی پیدا کنیم (نژاد ایرانی و رجب‌زاده، ۱۳۸۸). فناوری نحوه کسب خبر از سوی مردم را به کل دگرگون کرده است. با توجه به حضور اینترنت، متن‌های مخابره‌ای، سامانه خبررسانی سفارشی و صدها شبکه تلویزیونی و ماهواره‌ای، اخبار و اطلاعات راجع به اوضاع دنیا هیچ‌گاه تا به این حد در دسترس – و در عین‌حال، درهم و برهم – نبوده است؛ اما به‌راستی، این موجب می‌شود که ما بیشتر اطلاع پیدا کنیم یا کمتر؟

در واقع، هرچه تولید اطلاعات زیادتر شود، اضافه‌بار اطلاعاتی نیز بیشتر خواهد شد. اطلاعاتی که از مجاری و منابع مختلفی گردآوری می‌شوند، ممکن است ضد و نقیض یا غیرقابل‌مقایسه باشند. بی‌شک جهانی شدن با پیدایش و پیشرفت هر چه بیشتر فناوری اطلاعات و ارتباطات و افزایش علوم مختلف و اضافه شدن شاخه‌های جدید در علم، به انفجار اطلاعات و یا بهتر بگوییم آلودگی اطلاعات منجر شده است و انفجار اطلاعات و آلودگی اطلاعات خود عللی مهم برای اضافه بار اطلاعاتی به‌عنوان یکی از انواع فقر اطلاعاتی است. در بحبوحه این انفجار اطلاعات پخش و پراکنده، اطلاعاتی که گاه ممکن است بی‌پایه و اساس باشند، مبهم، غیردقیق، بی‌اهمیت، یا صرفاً نامربوط باشند، مردم بیش از آنکه قادر باشند از این اطلاعات به نفع خود استفاده کنند، خود را در زندان آنها اسیر می‌بینند؛ بنابراین، در این پژوهش فرض بر این است که جهانی شدن اضافه بار اطلاعاتی را افزایش داده است.

نقش جهانی شدن در خلأ اطلاعاتی: پدیده جهانی شدن که در عصر اطلاعات به‌سرعت پیش می‌رود، باعث شده افراد مختلف در اقصی نقاط جهان بتوانند با استفاده از فناوری‌های مدرن به اطلاعات ضروری و غیرضروری خود دسترسی داشته باشند، از انواع کتابخانه‌های دیجیتالی در سراسر جهان استفاده کنند، به مقالات علمی و غیرعلمی دسترسی داشته باشند، با صاحب‌نظران و متخصصان در رشته تخصصی خود گفتگو و تبادل‌نظر کنند، از اخبار روز در کشور و خارج از آن آگاه شوند، بهترین و جدیدترین اطلاعات در رابطه با مسائل پزشکی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره در اختیار داشته باشند و بسیاری دیگر. همه این اتفاقات زمانی رخ داد که مرزهای جغرافیایی دیگر معنای واقعی خود را از دست دادند و

تبادل اطلاعات به‌آسانی و با کمترین زمان بین بخش‌های مختلف جهان به وقوع پیوست. پدیده جهانی شدن با پیشرفت در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات شدت بیشتری پیدا کرد و به‌دنبال آن دسترسی به اطلاعات مناسب و موردنیاز نیز بیشتر شد.

همچنین جهانی شدن به‌عنوان پدیده‌ای است که بیش‌ترین تأثیر را بر زندگی مردم در قرن ۲۱ داشته است. جهانی شدن با افزایش دسترسی به فناوری‌های مدرن، افزایش دسترسی به آموزش و پرورش را نیز موجب شده است. همین تحولات باعث شد آموزش و پرورش خارج از محدوده کلاس و کتاب‌های محدودکننده اجرا شود و بتوان به اطلاعات و علوم مختلف از طریق چاپ، رادیو، تلویزیون، ویدیو و اینترنت دسترسی یافت (Malerich, 2008) ؛ بنابراین، در این پژوهش فرض بر این است که جهانی شدن خلأ اطلاعاتی را کاهش داده است.

نقش جهانی شدن در نابرابری اطلاعاتی: یکی دیگر از شاخص‌های مربوط به فقر اطلاعاتی در پژوهش حاضر نابرابری اطلاعاتی است. متأسفانه این شکل از فقر اطلاعاتی تنها به افراد محدود نمی‌شود، بلکه بر ملت‌ها و جوامع درون ملت‌ها نیز تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، می‌توان مدعی شد جهانی شدن که به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات مدرن ایجاد شده است، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه و جوامع فقیر از بزرگ‌ترین علل این شکل از فقر اطلاعاتی است. این مخصوصاً در مورد کشورهایی صادق است که به‌طور کامل بخشی از جریان اصلی جهانی شدن نیستند و این فناوری به‌صورت واقعی در آنها استفاده نمی‌شود (Britz, 2006). نه‌تنها از خود بیگانگی در این کشورها تقویت می‌شود، بلکه این کشورها، به‌طور فزاینده‌ای به کشورهای غنی اطلاعاتی برای دسترسی به اطلاعات مربوط و ضروری و موردنیاز برای توسعه خود وابسته می‌شوند. مایر و چتمن کپلن[1] (۲۰۰۱) نیز بر این باورند که مهاجرت افراد ماهر منجر به تشدید نابرابری بین کشورها و درون کشورها می‌شود و این یکی از ویژگی‌های جهانی شدن است. همزمان، نابرابری بین کشورها، زیربنای ترویج روند مهاجرت مهارت‌هاست و این شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را بیشتر می‌کند؛ بنابراین در پژوهش حاضر فرض بر این است که جهانی شدن نابرابری اطلاعاتی را افزایش داده است.

نقش جهانی شدن در شکاف دیجیتال: در دهه گذشته، مفهوم جهانی شدن و رشدی که به‌دنبال داشته است، اهمیت فناوری اطلاعات و ارتباطات را تحت شعاع قرار داده است (Lievrouw & Farb, 2003). فناوری اطلاعات و ارتباطات بی‌وقفه رشد کرده است و باعث شده است کشورهای توسعه‌یافته در

1. Meyer & Kaplan

صنایع اطلاعات و دانش، رشد فوق‌العاده‌ای داشته باشند و شکاف میان کشورهای ثروتمند و فقیر بیشتر شود که این امر به ایجاد شکاف بین کشورهای غنی و فقیر اطلاعاتی کمک کرده و شکاف دیجیتال را موجب شده است (Castells, 1994).

اگرچه اینترنت امکانات بالقوه‌ای را جهت پل زدن به شکاف دیجیتال ارائه می‌کند، گزارش‌های زیادی از ناظران و دانشمندان منتقد، مبنی بر این است که فضای سیاسی و اقتصادی نوین (پیش رفتن به‌سوی جهانی شدن) این شکاف را بیشتر خواهد کرد و اکثریت کشورها را به حاشیه خواهد راند (Main, 2000 نقل در وردی‌نژاد، پاشایی‌زاد، ۱۳۸۷). اینکه دسترسی به فناوری‌های اطلاعاتی موجب برابر شدن فرصت‌ها در پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خواهد شد خیالی بیش نبوده و این ایده که اینترنت رسانه دموکراتیک در سطح ملی و بین‌المللی است، افسانه‌ای بیش نیست. باید بپذیریم که فرایند جهانی شدن، در عین‌حال که تهدیدات و مخاطراتی به همراه دارد، می‌تواند امکاناتی را نیز فرا روی ما بگشاید؛ اما بهره جستن ما از امکانات آن منوط به شناخت دقیقمان از ابعاد این پدیده و نیز منفعل نبودن و مشارکت فعالانه و اثرگذارمان در این فرایند است (اسماعیلی، ۱۳۸۸)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر فرض بر این است که جهانی شدن شکاف دیجیتال را افزایش داده است.

با توجه به اینکه پژوهش‌ها و مطالعات انجام شده، به‌خصوص در سال‌های اخیر در رابطه با جهانی شدن افزایش یافته است، ولی پژوهشی در رابطه با نقش جهانی شدن در فقر اطلاعاتی یافت نشد. بنابراین، در این قسمت تحقیقاتی ذکر می‌شود که نسبت به آثار دیگر به پدیده فقر و نابرابری نزدیک‌تر باشند.

بانک جهانی با همکاری انتشارات دانشگاه آکسفورد (۱۳۸۷) جهانی شدن، رشد و فقر را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد در کل، پیوستگی اقتصادی در جهان از کاهش فقر حمایت می‌کند و این روند نباید تغییر یابد.

نیسانک[1] (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی بحث‌های سیاسی در رابطه با جهانی شدن، نابرابری و فقر را مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش در رابطه با جهانی شدن و ارتباط آن با فقر و تنگدستی است و روی مسیرهایی که از طریق آنها جهانی شدن، فقر را تحت تأثیر قرار داده متمرکز شده است. این پژوهش در ابتدا سهم به‌سزایی که جهانی شدن در ایجاد فقر داشته را مورد بررسی قرار داده است. سپس روش‌های دیگر در رابطه با فقر و جهانی شدن همانند تحولات متفاوت در زمینه فناوری، تأثیر جهانی شدن در بی‌ثباتی و ناکارآمدی، اشاعه دانش جهانی، تورم‌زدایی جهانی و سازمان‌ها را مورد بررسی قرار داده است.

1. Nissanke

حاجیان پاشا کلائی (۱۳۸۵) جهانی شدن و تأثیرات و پیامدهای آن بر جهانی سوم را مورد بررسی قرار داده است. هدف پژوهش بررسی تأثیرات جهانی شدن بر کشورهای جهان سوم در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مخالفان و موافقان و سازمان دهندگان جهانی شدن می‌باشد. تعدادی از کشورها به‌صورت نمونه آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد جهانی شدن تأثیرات مثبت و منفی در ابعاد اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بر این جوامع به‌جای گذاشته است و اصولاً منافع کشورهای ثروتمند را به ارمغان آورده است؛ هرچند اندک ثروت هم به جهان سوم رسیده است و لذا بین جهانی شدن و جهانی‌سازی باید تفاوت گذاشت و با برنامه‌ای مدون و عقلانی با آن برخورد نمود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تبیین ابعاد فقر اطلاعاتی از منظر جهانی شدن در رفتار اطلاعاتی کاربران (دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند) است. در راستای رسیدن به هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان در ابعاد مختلف (اضافه بار اطلاعاتی، خلأ اطلاعاتی، نابرابری اطلاعاتی و شکاف دیجیتالی) و همچنین ارتباط میان هر یک از این ابعاد «فقر اطلاعاتی» و جلوه‌های «جهانی شدن» در عرصه اطلاعات و اطلاع‌رسانی، به‌عنوان اهداف فرعی در نظر گرفته شده است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی اول: میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند بیش از حد متوسط است.

در ذیل این فرضیه، فرضیه‌های زیر قابل ارائه است:

- میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، از بعد اضافه بار اطلاعاتی، بیش از حد متوسط است.
- میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، از بعد خلأ اطلاعاتی، بیش از حد متوسط است.
- میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، از بعد نابرابری اطلاعاتی، بیش از حد متوسط است.

- میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، از بعد شکاف دیجیتال، بیش از حد متوسط است.

فرضیه اصلی دوم: از نظر کاربران، جهانی شدن در افزایش میزان فقر اطلاعاتی، بیش از حد متوسط نقش دارد.

در ذیل این فرضیه، فرضیه‌های زیر قابل ارائه است:

- از نظر کاربران، جهانی شدن در افزایش میزان فقر اطلاعاتی از بعد اضافه بار اطلاعاتی، بیش از حد متوسط نقش دارد.
- از نظر کاربران، جهانی شدن در کاهش میزان فقر اطلاعاتی از بعد خلأ اطلاعاتی، بیش از حد متوسط نقش دارد.
- از نظر کاربران، جهانی شدن در افزایش میزان فقر اطلاعاتی از بعد نابرابری اطلاعاتی، بیش از حد متوسط نقش دارد.
- از نظر کاربران، جهانی شدن در افزایش میزان فقر اطلاعاتی از بعد شکاف دیجیتال، بیش از حد متوسط نقش دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها توصیفی است. گردآوری داده‌ها به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند شاغل به تحصیل در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بودند (۲۳۲۷ نفر: دکتری ۲۷۴ نفر و کارشناسی ارشد ۲۰۵۳ نفر).

روش نمونه‌گیری این پژوهش از نوع تصادفی طبقه‌ای غیرنسبتی بود که در آن طبقات موردنظر را دانشجویان حوزه‌های تحصیلی متفاوت (علوم انسانی و اجتماعی، علوم پایه، علوم کشاورزی و فنی و مهندسی) تشکیل می‌دادند. از این روش نمونه‌گیری از آن رو استفاده شد که پژوهشگران خواستار اطمینان خاطر از لحاظ شدن افراد هر یک از طبقات جامعه در نمونه بودند و هر یک از حوزه‌های تحصیلی یک طبقه در نظر گرفته شد. بدین منظور، برای تعیین حجم نمونه، از فرمول محاسبه اندازه نمونه در شرایطی که متغیرها از نوع چند ارزشی با مقیاس فاصله‌ای و اندازه جامعه محدود باشد، استفاده شده است (مؤمنی و قیومی، ۱۳۹۱). با استفاده از این فرمول، حجم نمونه تقریباً ۱۰۰ نفر می‌شود؛ اما چون حجم نمونه در هر

طبقه (از دید برخی صاحب‌نظران) نباید کمتر از ۳۰ نفر باشد، تعداد نمونه به ۱۲۰ نفر افزایش یافت (در هر طبقه ۳۰ نفر).

برای اجرای این پژوهش از دو پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. پرسشنامه اول به‌منظور سنجیدن میزان فقر اطلاعاتی کاربران در ۴ بعد اضافه‌بار اطلاعاتی، خلأ اطلاعاتی، نابرابری اطلاعاتی و شکاف دیجیتال و پرسشنامه دیگر با هدف میزان نقش جهانی شدن در هر کدام از ابعاد فقر اطلاعاتی از نظر کاربران طراحی شد. گویه‌های مورد استفاده برای پرسشنامه‌ها با مطالعه پژوهش‌های انجام شده درباره هر کدام از شاخص‌های فقر اطلاعاتی و همچنین جهانی شدن انتخاب شده‌اند. هر کدام از پرسشنامه‌ها داری ۲۸ سؤال در ۴ بخش متفاوت بود که دو پرسشنامه در مجموع ۵۴ سؤال را در برمی‌گرفت که در جدول ۱ عرضه می‌گردد. پس از توزیع پرسشنامه‌ها در بین آزمودنی‌ها، با پیگیری‌های مستمر پژوهشگر، ۱۲۰ پرسشنامه جمع‌آوری شد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در نمونه

	متغیر	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد گویه‌ها	حداقل	حداکثر
پرسشنامه اول	فقر اطلاعاتی	۱–۲۸	۹۵/۰۴	/۸۲۵ ۱۱	۲۸	۶۲	۱۲۲
	اضافه بار اطلاعاتی	۱–۷	۲۰/۰۸	۴/۱۳۷	۷	۱۰	۳۲
	خلأ اطلاعاتی	۸–۱۴	۲۲/۲۲	۴/۸۱۲	۷	۱۲	۳۳
	نابرابری اطلاعاتی	۱۵–۲۱	۲۷/۸۴	۴/۱۳۸	۷	۱۸	۳۵
	شکاف دیجیتال	۲۲–۲۸	۲۴/۹۰	۵/۴۰۵	۷	۷	۳۵
پرسشنامه دوم	نقش جهانی شدن در فقر اطلاعاتی	۱–۲۸	۷۵/۵۸	/۸۲۱ ۱۵	۲۸	۳۶	۱۱۶
	نقش جهانی شدن در اضافه بار اطلاعاتی	۱–۷	۲۰/۹۵	۵/۲۵۰	۷	۷	۳۵
	نقش جهانی شدن در خلأ اطلاعاتی	۸–۱۴	۱۵/۶۶	۴/۹۸۷	۷	۷	۳۳
	نقش جهانی شدن در نابرابری اطلاعاتی	۱۵–۲۱	۲۱/۰۴	۶/۴۰۰	۷	۷	۳۵
	نقش جهانی شدن در شکاف دیجیتال	۲۲–۲۸	۱۷/۹۳	۶/۳۱۸	۷	۷	۳۵

در این تحقیق برای سنجش روایی پرسشنامه‌ها، تک‌تک سؤالات آزمون با مطالعه و بررسی منابع مطالعاتی مختلف تهیه و سپس با استفاده از نظرات ۶ تن از صاحب‌نظران و متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی و استفاده از پیشنهادهای آنان روایی سؤالات مورد سنجش قرار گرفت. در این پژوهش قبل از توزیع پرسشنامه‌ها بین نمونه آماری پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای تعداد ۳۰ نفر پاسخ‌گو محاسبه شد، که عدد ۸۲۵/. برای پرسشنامه اول و عدد ۸۴۵/. برای پرسشنامه دوم به‌دست آمد، که نشان‌دهنده این است که پرسشنامه‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس[1] و روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (آزمون‌های میانگین یک جامعه، مقایسه میانگین دو جامعه مستقل و مقایسه میانگین چند جامعه) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

توصیف داده‌های جمعیت شناختی

در ابتدای این بخش به‌منظور معرفی و آشنایی بیشتر با نمونه مورد بررسی این مطالعه، توزیع فراوانی مربوط به متغیرهای جنسیت، مقاطع و حوزه‌های تحصیلی و گروه‌های سنی اعضای نمونه در جدول ۲ عرضه می‌گردد. پس از این بررسی، با استفاده از آزمون تی مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه مشخص شد متغیر جنسیت و حوزه تحصیلی (علوم انسانی و اجتماعی، علوم پایه، علوم کشاورزی و فنی و مهندسی) نقشی در میانگین میزان متغیرهای اصلی (فقر اطلاعاتی و نقش جهانی شدن در میزان فقر اطلاعاتی) نداشته و فقط بر اضافه بار اطلاعاتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های فقر اطلاعاتی نقش داشته‌اند که نتایج آن در جداول ۳ و ۴ ارائه می‌شود. همچنین متغیر مقطع تحصیلی (دکتری و کارشناسی ارشد) نقشی در میانگین میزان فقر اطلاعاتی نداشت و فقط بر اضافه بار اطلاعاتی به‌عنوان یکی از شاخص‌های فقر اطلاعاتی نقش داشت. همچنین مقطع تحصیلی بر شاخص نقش جهانی شدن در نابرابری اطلاعاتی و نقش جهانی شدن در شکاف دیجیتال تأثیر داشت؛ اما متغیر گروه‌های سنی هیچ تأثیری بر متغیرهای اصلی و شاخص‌های مربوط به این متغیرها نداشته است.

1. SPSS

جدول ۲. توزیع فراوانی نمونه براساس متغیرهای جنسیت، حوزه‌ها و مقاطع تحصیلی و گروه‌های سنی آنان

متغیرها	طبقات فرعی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۶۱	۵۰/۸
	مرد	۵۹	۴۹/۲
حوزه تحصیلی	علوم انسانی و اجتماعی	۳۰	۲۵
	علوم پایه	۳۰	۲۵
	علوم کشاورزی	۳۰	۲۵
	فنی مهندسی	۳۰	۲۵
مقطع تحصیلی	کارشناسی ارشد	۸۸	۷۳/۳
	دکتری	۳۲	۲۶/۷
گروه‌های سنی	۲۰-۲۵	۵۵	۴۵/۸
	۲۶ و بیشتر	۶۵	۵۴/۲

جدول ۳. آماره‌های توصیفی و آزمون مقایسه میانگین متغیرهای فقر اطلاعاتی و نقش جهانی شدن در فقر اطلاعاتی و شاخص‌های آنها برحسب جنسیت

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری آزمون همگنی واریانس‌ها	T	سطح معناداری	معناداری
فقر اطلاعاتی	زن	۹۶/۲۸	۱۲/۳۹۵	۰/۴۸۵	۱/۱۶۷	۰/۲۴۶	خیر
	مرد	۹۳/۷۶	۱۱/۱۶۵				
اضافه‌بار اطلاعاتی	زن	۲۰/۸۹	۴/۶۶۹	۰/۰۰۳	۲/۲۲۹	۰/۰۲۸	بله
	مرد	۱۹/۲۴	۳/۳۳۹				
خلأ اطلاعاتی	زن	۲۲/۹۲	۴/۷۷۹	۰/۳۹۹	۱/۶۱۵	۰/۱۰۹	خیر
	مرد	۲۱/۵۱	۴/۷۷۹				
نابرابری اطلاعاتی	زن	۲۸/۲۳	۴/۳۴۵	۰/۵۶۴	۱/۰۴۴	۰/۲۹۸	خیر
	مرد	۲۷/۴۴	۳/۹۱۰				
شکاف دیجیتال	زن	۲۴/۲۵	۵/۳۲۸	۰/۶۶۲	۱/۳۵۳ –	۰/۱۷۹	خیر
	مرد	۲۵/۵۸	۵/۴۴۶				

جدول ۴. آماره‌های توصیفی و آزمون مقایسه میانگین متغیرهای فقر اطلاعاتی و نقش جهانی شدن در فقر اطلاعاتی و شاخص‌های آنها برحسب حوزه‌های تحصیلی

متغیر	حوزه تحصیلی	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری آزمون همگنی واریانس‌ها	F	سطح معناداری	معناداری
فقر اطلاعاتی	علوم انسانی	۹۶/۶۰	۱۱/۸۴۸	۰/۴۱۷	۱/۶۹۵	۰/۱۷۲	خیر
	علوم پایه	۹۴/۵۷	۱۲/۱۷۹				
	علوم کشاورزی	۹۷/۶۷	۱۲/۲۲۶				
	فنی مهندسی	۹۱/۳۳	۱۰/۵۵۸				
اضافه‌بار اطلاعاتی	علوم انسانی	۲۰/۷۳	۳/۸۸۶	۰/۱۰۳	۳/۷۸۷	۰/۰۱۲	بله
	علوم پایه	۲۰/۰۰	۳/۵۷۲				
	علوم کشاورزی	۲۱/۴۳	۴/۹۶۷				
	فنی مهندسی	۱۸/۱۳	۳/۳۸۱				
خلأ اطلاعاتی	علوم انسانی	۲۲/۶۰	۴/۷۵۳	۰/۴۵۵	۰/۸۶۴	۰/۴۶۲	خیر
	علوم پایه	۲۲/۲۰	۵/۲۶۸				
	علوم کشاورزی	۲۳/۰۰	۵/۱۱۳				
	فنی مهندسی	۲۱/۱۰	۴/۰۵۴				
نابرابری اطلاعاتی	علوم انسانی	۲۸/۴۳	۳/۸۸۴	۰/۸۶۶	۰/۳۹۳	۰/۷۵۸	خیر
	علوم پایه	۲۷/۲۷	۴/۱۶۸				
	علوم کشاورزی	۲۷/۸۷	۴/۲۲۴				
	فنی مهندسی	۲۷/۸۰	۴/۳۹۰				
شکاف دیجیتال	علوم انسانی	۲۴/۸۳	۵/۸۳۱	۰/۲۹۰	۰/۲۰۹	۰/۸۹۰	خیر
	علوم پایه	۲۵/۱۰	۴/۶۴۱				
	علوم کشاورزی	۲۵/۳۷	۴/۸۲۴				
	فنی مهندسی	۲۴/۳۰	۶/۳۵۸				

یافته‌های تحلیلی

پژوهش حاضر دو فرضیه اصلی داشت.

فرضیه اصلی اول: میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند بیش از حد متوسط است. در این فرضیه با توجه به اینکه توزیع متغیر مورد مطالعه نرمال بود، بنابراین برای آزمودن این فرضیه از آزمون پارامتری تی یک نمونه‌ای استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، حد متوسط فقر اطلاعاتی (به‌طورکلی) عدد ۸۴ می‌باشد. نتایج آزمون آماری در سطح ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دلیلی بر پذیرش فرضیه صفر وجود ندارد. به این معنا که تفاوت بین فقر اطلاعاتی و حد متوسط معنادار است و میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (به‌طورکلی) بیش از حد متوسط است ($t_{(119)}$=۱۰/۲۲۹ ؛p=۰.۰۰۰)

جدول ۵. آزمون تی یک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین میزان فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند با حد متوسط

Test Value =۸۴								
فراوانی	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	.معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪	
							حد پایین	حد بالا
۱۲۰	۹۵/۰۴	۱۱/۸۲۵	۱۱۹	۱۰/۲۲۹	۰.۰۰۰	۱۱/۰۴۲	۸/۹۰	۱۳/۱۸

فرضیه مطرح شده در بالا، دارای چهار فرضیه فرعی نیز می‌باشد. در این فرضیه‌ها پژوهشگر به‌دنبال آن است که میزان فقر اطلاعاتی را در هر یک از شاخص‌های مربوط به آن در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند بسنجد. همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، تفاوت بین میانگین شاخص‌های فقر اطلاعاتی و حد متوسط معنادار است. میزان فقر اطلاعاتی در شاخص اضافه بار اطلاعاتی کمتر از حد متوسط (۲۱) است؛ اما فقر اطلاعاتی در شاخص‌های دیگر (خلأ اطلاعاتی، نابرابری اطلاعاتی و شکاف دیجیتالی)، بیش از حد متوسط است.

نتایج آزمون آماری (جدول ۶) در سطح ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دلیلی بر رد فرضیه صفر وجود ندارد. به این معنا که تفاوت بین میانگین اضافه بار اطلاعاتی و حد متوسط معنادار است ولی میزان اضافه بار اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی کمتر از حد متوسط است. ($t_{(119)}$=–۲/۴۵۰ ؛p=۰/۰۱۶)

جدول ۶. آزمون تی یک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین شاخص‌های فقر اطلاعاتی با حد متوسط

Test Value = ۲۱								
متغیر	**فراوانی**	**میانگین نمونه**	**انحراف استاندارد**	**درجه آزادی**	**T**	**معناداری**	**تفاوت میانگین**	**فاصله اطمینان ۹۵٪**	
								حد پایین	**حد بالا**
اضافه بار اطلاعاتی	۱۲۰	۲۰/۰۸	۴/۱۳۷	۱۱۹	−۲/۴۵۰	۰/۰۱۶	−۰/۹۲۵	−۱/۶۷	−۰/۱۸
خلأ اطلاعاتی	۱۲۰	۲۲/۲۲	۴/۸۱۲	۱۱۹	۲/۷۸۹	۰/۰۰۶	۱/۲۲۵	۰/۳۶	۲/۰۹
نابرابری اطلاعاتی	۱۲۰	۲۷/۸۴	۴/۱۳۸	۱۱۹	۱۸/۱۱۰	۰/۰۰۰	۶/۸۴۲	۶/۰۹	۷/۵۹
شکاف دیجیتال	۱۲۰	۲۴/۹۰	۵/۴۰۵	۱۱۹	۷/۹۰۴	۰/۰۰۰	۳/۹۰۰	۲/۹۲	۴/۸۸

فرضیه اصلی دوم: از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، جهانی شدن در افزایش میزان فقر اطلاعاتی، بیش از حد متوسط نقش دارد. همان‌طور که در جدول ۵ دیده می‌شود، نتایج آزمون آماری در سطح ۰/۰۵ نشان می‌دهد که دلیلی بر رد فرضیه صفر وجود ندارد. به بیان دیگر، اگرچه از نظر دانشجویان، بین نقش جهانی شدن در میزان فقر اطلاعاتی و حد متوسط آن تفاوت معناداری وجود دارد؛ ولی جهانی شدن نقش کاهشی در میزان فقر اطلاعاتی داشته است ($t_{(119)}$= −۵/۸۲۸؛ p=۰/۰۰۰)

جدول ۷. آزمون تی یک نمونه‌ای برای بررسی میزان نقش جهانی شدن در افزایش فقر اطلاعاتی از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند

Test Value =۸۴								
فراوانی	**میانگین نمونه**	**انحراف استاندارد**	**درجه آزادی**	**T**	**معناداری**	**تفاوت میانگین**	**فاصله اطمینان ۹۵ ٪**	
							حد پایین	**حد بالا**
۱۲۰	۷۵/۵۸	۱۵/۸۲۱	۱۱۹	−۵/۸۲۸	۰.۰۰۰	−۸/۴۱۷	−۱۱/۲۸	−۵/۵۶

در این پژوهش به‌دنبال فرضیه اصلی دوم، چهار فرضیه فرعی نیز مطرح شد. هدف از این فرضیه‌ها این بود که مشخص شود از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، جهانی شدن در هر یک از شاخص‌های فقر اطلاعاتی چه نقشی دارد (باعث افزایش کدام شاخص و کاهش کدام شاخص فقر اطلاعاتی شده است). همان‌طور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، از نظر کاربران، جهانی شدن در افزایش

و کاهش اضافه بار اطلاعاتی و نابرابری اطلاعاتی نقشی ندارد؛ ولی باعث کاهش میزان خلأ اطلاعاتی و شکاف دیجیتال شده است.

جدول ۸. آزمون تی یک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین نقش جهانی شدن در شاخص‌های فقر اطلاعاتی با حد متوسط

Test Value = ۲۱									
متغیر	فراوانی	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	درجه آزادی	T	معناداری	تفاوت میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد پایین	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد بالا
نقش جهانی شدن در اضافه بار اطلاعاتی	۱۲۰	۲۰/۹۵	۵/۲۵۰	۱۱۹	-۰/۱۰۴	۰/۹۱۷	-۰/۰۵۰	-۱/۰۰	۰/۹۰
نقش جهانی شدن در خلأ اطلاعاتی	۱۲۰	۲۶/۳۴	۴/۹۸۷	۱۱۹	۱۱/۷۳۵	۰/۰۰۰	۵/۳۴۲	۶/۲۴	۴/۴۴
نقش جهانی شدن در نابرابری اطلاعاتی	۱۲۰	۲۱/۰۴	۶/۴۰۰	۱۱۹	۰/۰۷۱	۰/۹۴۳	۰/۰۴۲	-۱/۱۲	۱/۲۰
نقش جهانی شدن در شکاف دیجیتال	۱۲۰	۱۷/۹۳	۶/۳۱۸	۱۱۹	-۵/۳۱۸	۰/۰۰۰	-۳/۰۶۷	-۴/۲۱	-۱/۹۲

نتیجه

در پژوهش حاضر، در وهله اول تلاش شد فقر اطلاعاتی در جامعه موردنظر (دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند) بررسی شود و از طریق پرسشنامه میزان فقر اطلاعاتی آنان سنجیده شود و از طرفی با استفاده از پرسشنامه، نظر این دانشجویان در مورد نقش جهانی شدن در میزان فقر اطلاعاتی و هر کدام از شاخص‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. دانشجویان باید به‌عنوان قشر تأثیرگذار در آینده جامعه موردتوجه قرار گیرند: اینکه آیا آنان به اطلاعات موردنیازشان برای پیشرفت‌های علمی و غیر آن دسترسی دارند یا نه تا اگر به اطلاعات دسترسی ندارند چاره‌ای برای حل آن اندیشه شود. از آنجایی‌که میزان فقر اطلاعاتی در جامعه آماری خاص (مانند آنچه در این پژوهش انجام شده بود)، در هیچ پژوهش قبل از این بررسی نشده بود، این نتایج قابل‌مقایسه با هیچ تحقیقی نیست. همچنین به نظر می‌رسد به دلیل اینکه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند تقریباً در بافت اجتماعی و فناوری

معین و یکسان زندگی و تحصیل می‌کنند، تفاوت معناداری در بین حوزه‌های مختلف و زنان و مردان و دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد از نظر میزان فقر اطلاعاتی یافت نشد.

یافته‌های نشان داد میانگین فقر اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند به‌طورکلی بالاتر از حد متوسط بود؛ اما میزان فقر اطلاعاتی در شاخص‌های مختلف فقر اطلاعاتی متفاوت بود؛ به این معنا که بیش‌ترین میزان فقر اطلاعاتی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی مربوط به شاخص نابرابری اطلاعاتی بود (دلایل آن در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند این است که از نظر این دانشجویان، بین جامعه آنان و میانگین وضعیت جامعه جهانی از نظر دسترسی به اطلاعات باکیفیت، دسترسی به منابع اطلاعاتی ضروری و غیرضروری، دسترسی به منابع انگلیسی‌زبان، هزینه دسترسی به اطلاعات و میزان سانسور اطلاعات نابرابری وجود دارد.) و بعد از آن شکاف دیجیتالی قرار داشت (با توجه به یافته‌ها، مشاهده می‌شود نابرابری بین جامعه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند و میانگین وضعیت جامعه جهانی بیشتر در رابطه با دسترسی به اینترنت پرسرعت، دسترسی به تلفن همراه و ارتباط آن با اینترنت و همچنین لوازم جانبی رایانه بود) و در نهایت، خلأ اطلاعاتی قرار داشت (دلایل افزایش خلأ اطلاعاتی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه بیرجند، عدم دسترسی مناسب به اطلاعات اینترنتی و منابع اطلاعاتی کتابخانه‌ها به شکل مطلوب بود). کمترین میزان فقر اطلاعاتی مربوط به شاخص اضافه بار اطلاعاتی بود. در واقع، میانگین شاخص اضافه بار اطلاعاتی کمتر از حد متوسط بود. شاید دلیل پایین بودن اضافه بار اطلاعاتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نبود دسترسی، به‌ویژه به اطلاعات الکترونیکی و سایر اطلاعات باشد. زمانی اضافه بار اطلاعاتی اتفاق می‌افتد که سایر ابعاد (خلأ اطلاعاتی، نابرابری اطلاعاتی، شکاف دیجیتال) در شرایط مناسبی باشند؛ بنابراین ماهیت این بعد از فقر اطلاعاتی در جهت عکس سایر ابعاد می‌باشد. به همین دلیل، نتایج آن کاملاً متناسب با نتایج سایر ابعاد بررسی شده است.

همچنین از نظر دانشجویان تحصیلات تکمیلی جهانی شدن در افزایش میزان فقر اطلاعاتی نقشی ندارد و یافته‌ها نشان می‌دهد از نظر آنان جهانی شدن باعث کاهش میزان فقر اطلاعاتی در جوامع مختلف شده است. نتیجه گفت‌وگویی که با برخی از دانشجویان در رابطه با دلیل آن انجام شد، این بود که از نظر آنان، نقش عواملی مانند ضعف در زیرساخت‌های اطلاعاتی، فقر اقتصادی و سرعت پایین اینترنت در برخی کشورهای جهان سوم، در افزایش فقر اطلاعاتی بیشتر از پدیده جهانی شدن است.

درباره هر کدام از شاخص‌های فقر اطلاعاتی باید گفت که از نظر دانشجویان، جهانی شدن نقشی

در کاهش و یا افزایش دو شاخص اضافه بار اطلاعاتی و نابرابری اطلاعاتی ندارد؛ همچنین از نظر آنان، جهانی شدن در ایجاد نابرابری در دسترسی به اطلاعات باکیفیت و روزآمد، دسترسی به نرم‌افزارهای موردنیاز و دسترسی به منابع زبان‌اصلی و همچنین نابرابری در هزینه دسترسی به اطلاعات در جوامع مختلف نقشی نداشته است. اما در رابطه با دو شاخص خلأ اطلاعاتی و شکاف دیجیتال باید گفت از نظر دانشجویان، پدیده جهانی شدن باعث کاهش میزان این دو شاخص شده است؛ زیرا از نظر آنان، پدیده جهانی شدن با افزایش حجم اطلاعات دریافتی از اینترنت، اطلاعات مرتبط و روزآمد، دسترسی به رسانه‌های گروهی (تلویزیون، مجلات و غیره) و دسترسی به محتوای اطلاعاتی کتابخانه‌های سایر کشورها، دسترسی به اطلاعات و دانش متخصصان، تنوع منابع اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های دسترسی به اطلاعات، خلأ اطلاعاتی را کاهش داده است. البته از میان گزینه‌های ذکرشده، دسترسی به منابع موجود در کتابخانه سایر کشورها درصد بیشتری به خودش اختصاص داده است، همچنین از نظر دانشجویان، پدیده جهانی شدن باعث کاهش نابرابری در دسترسی به اینترنت پرسرعت، تلفن همراه و ارتباط آن با اینترنت، رایانه شخصی و همراه، شبکه‌های تلویزیونی، تلفن ثابت، تبلت و لوازم جانبی رایانه در جوامع مختلف شده است و از این طریق جهانی شدن شکاف دیجیتالی را کاهش داده است.

بنابراین، با توجه به اینکه میزان خلأ اطلاعاتی دانشجویان بالاتر از حد متوسط بود، پیشنهاد می‌شود دسترسی دانشجویان به منابع اطلاعاتی الکترونیکی به‌صورت رایگان یا با کم‌ترین هزینه، افزایش غنا و روزآمدی منابع چاپی و الکترونیکی و شناسایی نیازهای اطلاعاتی دانشجویان توسط کتابداران و تلاش برای رفع آنها مورد توجه قرار گیرد و همچنین چون میزان نابرابری اطلاعاتی و شکاف دیجیتال دانشجویان بالاتر از حد متوسط بود، پیشنهاد می‌شود اینترنت پرسرعت و رایگان در اختیار دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه‌ها قرار گیرد و شرایط برای دسترسی همه دانشجویان به فناوری‌ها فراهم شود، ضرورت استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی توضیح داده شود و همچنین کلاس‌های درس به رایانه و لوازم جانبی آن و اینترنت بی‌سیم مجهز شود.

برای انجام این پژوهش محدودیت‌ها و دشواری‌هایی وجود داشت که از جمله این محدودیت‌ها این بود که تعدادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی برخی از مفاهیم به‌کار رفته در پرسشنامه را خوب درک نمی‌کردند. مفاهیمی مانند جهانی‌شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات، کانال‌های اطلاعاتی و ارتباطی و غیره. برای حل این مشکل این مفاهیم توضیح داده شد تا اینکه دانشجویان بتوانند گزینه مناسب را انتخاب کنند. محدودیت دوم دشواری دسترسی به دانشجویان دکتری و تأخیر آنها در پاسخ دادن به

پرسشنامه‌ها بود که با پیگیری این مشکل حل شد.

کتابنامه

اسماعیلی، غلامرضا (۱۳۸۸). جهانی شدن یا جهانی‌سازی؟. *ماهنامه چاپ و تبلیغات*، ۷، ۲۲-۲۷.

بانک جهانی با همکاری انتشارات دانشگاه آکسفورد (۱۳۸۷). *جهانی شدن، رشد و فقر: پژوهشی در طراحی اقتصاد همبسته جهانی*، ترجمه صابر شیبانی اصل. تهران، نشر نی.

پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۰). ابعاد جهانی شدن. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. ۱۵۷. ۱۵۵- ۱۷۲.

حاجیان پاشاکلائی، فرشاد (۱۳۸۵). *جهانی شدن و تأثیرات پیامدهای آن بر جهان سوم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی- دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی.

رحیمی، صالح، بیگدلی، زاهد (۱۳۸۹). فقر اطلاعات: وجوه، ابعاد و راهکارهای مقابله با آن، *تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی*، ۱۶(۱)، ۱۷۱-۱۸۴.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۲). دغدغه ای به نام جهانی شدن، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ۷۷، ۳-۷.

مؤمنی، منصور، قیومی، علی (۱۳۹۱). *تحلیل داده‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران، منصور مؤمنی.

میرمحمدی، داوود (۱۳۸۱). جهانی شدن؛ ابعاد و رویکردها، *مطالعات ملی*، ۳ (۱۱)، ۵۹-۸۴

نژاد ایرانی، فرهاد، رجب‌زاده، آرمین (۱۳۸۸). اضافه بار اطلاعاتی: ریشه‌ها و پیامدها، *تدبیر*، ۲۱۲، ۶۲-۶۶.

وردی‌نژاد، فریدون، پاشایی‌زاد، حسین (۱۳۸۷). جهانی شدن، جامعه اطلاعاتی و شکاف دیجیتالی. بازیابی ۱۹ مهر ۱۳۹۲، از http://athir.blogfa.com/post-3263.aspx

Angell, I. (1995). Winners and losers in the information age, LSE Magazine,7(1), 10-12.

Britz, J. J. & Blignaut, J. N. (2001). Information poverty and social justice. South African *Journal of Library and Information Science*, 67(2), 63-69.

Britz, J. J. (2004). To Know or not to Know: A Moral Reflection on Information Poverty. *Journal of Information Science*, 30(3), 192-204.

Britz, J. J. (2006). A critical analysis of information poverty from a social justice perspective.(Doctoral dissertation, University of Pretoria 2006).

Buckley, F.J. (1987). Knowledge: access issues. *The Information Society*, 5(1), 45-50.

Castells, M. (1994). European cities: the information society and the global economy. *New Left Review*, 204, 18-32.

Chatman, E. A. (1996). The impoverished life-world of outsiders. *Journal of American Society for Information science*, 47 (3), 193- 206.

Chen, Z & Liu, C & Yang, D (2011).Information poverty and farmers' information right in China's mountainous rural areas. *Proscenia Engineering*, 15,1277-1281.

Cronin, B. (1992).Social development and the role of information, *The New Review of Information and Library Research*, 1, 23-37.

Fahey, N. (2003). Addressing information poverty: an Australian experience.Retrieved September 11, 2013 from http://acqol.deakin.edu.au/Conferences/paperFahey1.PDF

Goulding, A. (2001). Information Poverty or Overload?. *Journal of Librarianship and Information Science*, 33 (3), 109-111.

Habermas, J. (1989). *The structural transformation of the public sphere, translated by T*. Burger. Cambridge, MA: MIT Press.

Haider, J & Bawden, D. (2007). Conceptions of "information poverty" in LIS: a discourse analysis. *JDOC*, 63 (4), 534-557. Retrieved October 9, 2013 from www.emeraldinsight.com/0022-0418.htm

Lievrouw, L. A. & Farb, S. E. (2003). Information and equity. *Annual Review of Information Science and Technology*, 37,499-538.

Malerich, J (2008). The importance of access to information and identifying contradiction. Retrieved July 18, 2013from http://www.jennifermalerich.com/uploads/The_Importance_of_Access_to_Information_and_Indentifying_Contradiction.pdf

Meyer, J. B. Kaplan, D.& Charum, J. (2001). Scientific nomadicand the new geopolitics of knowledge. International Social Science Journal, (168), 309-321. Retrieved October 13, 2013 from http://is.muni.cz/el/1423/jaro2012/SOC469/um/scientific_nomadism_and_the_newgeopolitics_of_knowledge.pdf

Nath, V. (2001). Heralding ICT enabled knowledge Societies: way forward for the developing countries. Retrieved May 12, 20 from http://athir.blogfa.com/post-3263.aspx

Nissanke, M. (2006). Channels and Policy Debate in the Globalization–Inequality–Poverty Nexus. World Development, 34 (8), 1338–1360, doi:10.1016/j.worlddev.2005.10.008.

Tapscott, D. (1995). The digital economy:promise and peril inthe ageof networked intelligence. New York: McGraw-Hill. Retrieved from http://www.amazon.com/the-digital-economy-networked-intelligencence/dp/0070633428. Retrieved August 12, 2013 from http://www.fao.org/fishery/en